

ترجمه انگلیسی قصه‌های مجید

Moradi Kermani, H. *The Tales of Majid*. Translated by C. Croskery. Candle & Fog.
London 2022. Book One. 320 pp.

رامک رامیار (پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

هوشنگ مرادی کرمانی (زاده ۱۳۲۳ در روستای سیزج، از توابع بخش شهداد کرمان)، داستان‌نویس مشهور ایرانی و از نویسندگان سرشناس فارسی‌زبان امروز در جهان، از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ قصه‌هایی برای رادیو می‌نوشت که شخصیت اصلی آن‌ها پسر بچه‌ای به نام «مجید» بود. این قصه‌ها هر هفته (پنجشنبه صبح) از رادیو ایران پخش می‌شد. بعدها گزیده‌ای (شامل سی‌ونه قصه) از این داستان‌ها، ابتدا در پنج مجلد (۱۳۵۸-۱۳۶۶) و سپس در یک مجلد، با عنوان قصه‌های مجید (۱۳۶۷) منتشر شد. پنخس مجموعه‌ی نه‌قسمتی قصه‌های مجید از تلویزیون، در دهه ۱۳۷۰، به کارگردانی کیومرث پوراحمد، بر آوازه این قصه‌ها و نویسنده‌شان افزود. مرادی کرمانی، که در سال ۱۳۸۲ عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی شده است، بعد از قصه‌های مجید، داستان‌های بسیاری نوشته و کتاب‌های متعددی چاپ کرده است؛ ولی، به قول خودش، «هیچ‌یک از این کتاب‌ها به شهرت قصه‌های مجید نرسیدند [...] من سال‌ها مبارزه کردم تا بگویم که من کتاب‌های دیگری هم دارم؛ اما دیدم تلاش‌هایم بی‌نتیجه است». (سخنرانی نویسنده در جلسه رونمایی کتاب صوتی قصه‌های مجید، تابستان ۱۳۹۷، تهران)

انتشارات Candle and Fog (شمع و مه)، در تابستان ۲۰۲۲ م، ترجمه انگلیسی قصه‌های مجید را منتشر کرد. این داستان‌ها ظاهراً در دو جلد منتشر می‌شود، ولی فعلاً جلد اول (شامل بیست قصه اول و به همان ترتیبی که در چاپ فارسی آمده) در دسترس است. مترجم آمریکایی این کتاب، گرولاین کراسکری (Caroline Croskery)، دانش‌آموخته دوره کارشناسی «ایران‌شناسی» از دانشگاه کالیفرنیا (UCLA) در ۲۰۰۴ م، و دانش‌آموخته کارشناسی ارشد «آموزش زبان خارجی» در مؤسسه مطالعات

بین‌المللی مونته‌ری (MATFL) است. حدود ۱۳ سال (۱۹۸۵-۱۹۹۸ م) در ایران زندگی کرده و در آن سال‌ها به ترجمه و دوبله فیلم‌های فارسی به انگلیسی مشغول بوده است. کراسگری، مدتی بعد از بازگشت به آمریکا، به ترجمه کتاب‌های فارسی برای انگلیسی‌زبانان پرداخت. بامداد خممار (۲۰۰۰ م)، نوشته فتانه حاج‌سیدجوادی؛ ما همه آفتابگردانیم (۲۰۱۳ م)، نوشته عرفان نظرآهاری؛ دموکراسی یا دموقراضه (۲۰۱۳ م)، نوشته سیدمهدی شجاعی؛ من قاتل پسران هستم (۲۰۱۸ م)؛ نوشته احمد دهقان؛ کابوس باغ سیاه (۲۰۱۸ م)، نوشته آرمان آرین؛ و هیولای خانگی (۲۰۱۹ م)، نوشته فرشته احمدی از جمله کتاب‌هایی است که با ترجمه او به زبان انگلیسی منتشر شده است. کراسگری، پیش از قصه‌های مجید، از نوشته‌های مرادی کرمانی، کتاب‌های خمیره (۲۰۱۴ م)، مربای شیرین (۲۰۱۵ م)، شما که غریبه نیستید (۲۰۱۶ م)، و نخل (۲۰۱۷ م) را ترجمه کرده است. در نخستین مواجهه با ترجمه قصه‌های مجید، آنچه به چشم می‌آید، امانتداری مترجم است در ترجمه متن کامل همه قصه‌ها. زبان نوشته‌های مرادی کرمانی ساده و بی‌تکلف است، با جمله‌های کوتاه و خالی از واژه‌های کهن و نامأنوس؛ و مترجم این ویژگی‌ها را تا حدود زیادی حفظ کرده است. از طرف دیگر، نثر مرادی کرمانی مشحون از کنایات و تعبیرات و اصطلاحات عامیانه است. با مقایسه ترجمه دو داستان «عاشق کتاب» و «طفل معصوم» با متن اصلی، درمی‌یابیم که مترجم در برگرداندن عبارتی از این دست شیوه واحدی نداشته و از تدابیر گوناگونی بهره گرفته است؛ کراسگری، در اندک مواردی، برای ترجمه کنایه‌ها، از عبارات کنایی زبان مقصد، که معنایی تقریباً یکسان با عبارت کنایی زبان فارسی دارد، بهره برده است؛ از آن جمله است «I decided to grin and bear it» (p.251) به جای «سوختم و ساختم».

مترجم در بسیاری از جمله‌ها، عبارات کنایی یا توصیفی را ترجمه نکرده است؛ برای مثال، جمله «رفتم روی یکی از صندلی‌هایی که گوشه دکان بود، بنشینم و نفسی چاق کنم؛ ولی...» چنین ترجمه شده است: «... (I went over and was about to sit down on one of chairs in the corner of the shop, but...» (p. 249). چنان‌که پیداست، «نفس چاق کردن»، به معنای «نفس تازه کردن، رفع خستگی کردن» (نجفی، ص ۱۴۲۰)، ترجمه نشده است. در جایی دیگر، «چند تا سرفه زورکی کردم» چنین ترجمه شده: «I coughed a few times» (p. 11) و «زورکی»، به معنای «به‌زور و با زحمت» یا «تصنعی و تظاهری» (نجفی، ص ۸۳۱)، برگردانده نشده است. همچنین، در ترجمه جمله «کاسه مسی گنده هنوز دور خودش مثل فرفره می‌چرخید و سروصدا می‌کرد»، گروه قیدی «مثل فرفره» نادیده گرفته شده است: «Spinning copper bowl» (p. 8) «still reverberating throughout the room».

با همه این‌ها، شیوه غالب کراسگری در ترجمه عبارات کنایی، به دست دادن معنای سراسر است

کنایه‌هاست؛ مثلاً «پیرمرد دو طرف لب‌هایش را پایین کشید و این جوری نشان داد که خیلی تعجب کرده است و دارد شاخ درمی‌آورد» چنین ترجمه شده است: «The old man frowned in surprise and disbelief» (p. 6). در این قسمت، عبارت «شاخ درآوردن»، کنایه از «بسیار تعجب کردن» (نجفی، ص ۹۴۶)، به «disbelief» برگردانده شده است. نمونه دیگر «تیرم به سنگ خورد» است که چنین ترجمه شده: «My effort were thwarted» (p. 11)؛ «تیر کسی به سنگ خوردن» کنایه از «ناکام شدن، در نقشه خود شکست خوردن» (نجفی، ص ۳۴۳ و ۳۴۴) است و مترجم معنای سراسر آن را آورده است.

فارغ از انتخاب شیوه ترجمه، به نظر می‌رسد که معنای برخی عبارات‌ها برای مترجم روشن نبوده است؛ مثلاً کنایه «کفش و کلاه کردن» در جمله «[بی‌بی] فوری کفش و کلاه کرد»، به معنای «لباس پوشیدن و عازم رفتن به جایی شدن» (نجفی، ص ۱۱۶۲)، چنین ترجمه شده: «She quickly put on her shoes and hat» (p. 246). یا در ترجمه «بچه سه چهار سال را شیرین داشت» کراسگری نوشته است: «The sweet kid was three or four years old» (Ibid). «شیرین» در این جمله قید است، به معنای «به‌طور یقین، دقیقاً همین مقدار و شاید هم بیشتر» (نجفی، ۹۸۳)؛ ولی کراسگری آن را صفت «بچه» پنداشته است. همچنین، در ترجمه عبارت «یه قرون بده آش، به همین خیال باش!»، که طعنه است «به کسی که خیال‌واهی در سر می‌پرورد» (نجفی، ص ۳۰)، آورده است: «You get what you pay for» (p. 251).

نثر مرادی کرمانی ساده و روان است؛ درعین حال، کنار هم گذاشتن این مقدار از عبارات کنایی، امثال و حکم، و تعبیرات عامیانه، طوری که کسل‌کننده یا دیرباب نباشد، دشوار است و ترجمه‌اش بسیار دشوارتر. بنابراین، برشمردن این نمونه‌ها به معنای نادیده گرفتن زحمات مترجم و همت او نیست.

کرولاین کراسگری زبان و ادبیات فارسی را دوست می‌دارد، و در مصاحبه‌ای گفته است که سعی می‌کند زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی را به آمریکایی‌ها بشناساند، ولو با گذاشتن میزی در جشنواره فرهنگ ملل در شیکاگو و گفتن از کتاب‌هایی که ترجمه کرده است. در هر حال، شایسته است ویراستاری فارسی زبان، با تسلط کافی بر زبان انگلیسی، نیز این گونه ترجمه‌ها را پیش از انتشار بررسی کند تا چنین خطاهایی، تا حد ممکن، به کتاب راه نیابد و از دقت ترجمه نکاهد.

منابع

نجفی، ابوالحسن، فرهنگ فارسی عامیانه، نیلوفر، تهران ۱۳۷۸.